

Citing the verses of the Holy Quran in the Fadakiyah sermon of Hazrat Fatima (PBUH)

Aziz Alizadeh Salteh^{1*}, Parivash Alizadeh², Sakineh Sharizadeh³

¹ Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

² PhD student in Nahjul-Balagha Sciences and Education, South Tehran Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran.

³ Master of Science in Quran and Hadith, Khoy Faculty of Quranic Sciences, Khoy, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper KEYWORDS: Quran, Hazrat Fatima (PBUH), Fadakiyah Sermon Received: 2025/07/16 Accepted: 2025/07/27 *Corresponding author: alizadehsalteh@iau.ac.ir How to cite this paper: Alizadeh Salteh, A., Alizadeh, P., Sharizadeh, S., (2025). Citing the verses of the Holy Quran in the Fadakiyah sermon of Hazrat Fatima (PBUH). <i>Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology</i>. 2(2): 187-210.	The sermon of Hazrat Zahra (PBUH) is one of the famous sermons that has been cited by the two sects with reliable documents; speeches in which the defense of the usurped right is formed with a broad theme of verses of the Quran and verses are cited in places directly, implicitly or in the form of quotations, and it seems that by referring the rulers of the time and the people to the verses of the Quran, the Holy Prophet (PBUH) wanted to warn them of their deviation from the teachings of the Holy Prophet (PBUH) and to warn them of the danger of going astray and returning to the pre-Islamic era. In this article, we have tried to extract the way in which the Holy Prophet (PBUH) cited the Quran using a descriptive-analytical method and by referring to various explanations and interpretations, and to show that this sermon is not only consistent with the verses and derived from the teachings of the Holy Quran, but beyond that, it is an interpretation of the verses and sayings of the Holy Prophet (PBUH) on various issues.
DOI: 10.22034/isqt.2025.15311.1040	

تحلیل استنادات قرآنی حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه

عزیز علی زاده سالطه^{۱*}، پریوش عزیززاده^۲، سکینه شری زاده^۳

^۱ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری رشته علوم و معارف نهج البلاغه، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

^۳ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی خوی، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	خطبه حضرت زهرا (س) از خطبه‌های معروفی است که فریقین آن را با اسناد معتبر آورده‌اند؛ سخنانی که در آن، دفاع از حقّ غضب شده با درون مایه گسترده‌ای از آیات قرآن تکوین یافته و در جای جای آن به آیات به طور مستقیم، تلویحی و یا به شکل اقتباس استناد شده است و گویا آن حضرت خواسته‌اند با ارجاع حاکمان وقت و مردم به آیات قرآن، انحراف آنان را از تعالیم پیامبر اکرم (ص) گوشزد کرده و از خطر گمراهی و بازگشت به جاهلیت بیم دهند. در این مقاله سعی کرده‌ایم با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به شروح مختلف و تفاسیر، نحوه استناد آن حضرت به قرآن را استخراج کرده و نشان دهیم که این خطبه نه تنها منطبق بر آیات و برگرفته از تعالیم قرآن کریم است بلکه فراتر از آن، تفسیری بر آیات و سخنان پیامبر اکرم (ص) در مسائل مختلف است.
واژگان کلیدی: مستندات قرآنی، حضرت فاطمه(س)، خطبه فدکیه، اقتباس، تلمیح	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: alizadehsalteh@iaua.ac.ir	
ارجاع: علی زاده سالطه، ع.، علی زاده، پ.، شری زاده، س.، ۱۴۰۴، تحلیل استنادات قرآنی حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۲(۲): ۱۸۷-۲۱۰.	

مقدمه

۱- طرح مسأله

پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت، معدن علم و حکمت و مصون از هر گونه پلیدی هستند و همه گفتار و کردار آنها برگرفته و منطبق بر آیات الهی می‌باشند و حضرت زهرا (س) از این امر مستثنی نیست؛ خطبه ایشان در مسجد پیامبر (ص) یک سخنرانی ساده و نزاع معمولی بر سر فدک نبود، بلکه نمادی برای مقاومت در مقابل ظلم و حقوق به تاراج رفته خاندان رسالت بود. بدین سبب آن حضرت با درک عمیق این مسأله و اوضاع پیش آمده از این که می‌بیند به سفارش پیامبر (ص) و قرآن عمل نشده و بدخواهان اسلام را در مسیری غیر از حق کشاندند بر خود وظیفه دانست از امام زمان خود دفاع کرده و حق به تاراج رفته را فریاد زند. آن حضرت با استناد به قرآن کریم حقانیت خود و دروغ بودن ادعای خلیفه وقت را به اثبات می‌رساند و در جای جای خطبه با اشاره به آیات به گونه‌ای به ایراد سخن می‌پردازد که گویی زبان قرآن، پیامبر (ص) و علی (ع) است.

۲- پیشینه تحقیق

درباره سخنان و ادعیه حضرت زهرا (س) آثار فراوانی نوشته شده و صحائف و مسندهای متعددی به رشته تحریر در آمده‌اند و در کتب مختلف درباره خطبه آن حضرت سخنانی گفته شده است. اما اکثر این نویسندگان به بررسی محتوایی خطبه و سخنان حضرت پرداخته‌اند و درباره استشهادات و یا استنادات آن بحث نکرده‌اند، هر چند در لابه‌لای مطالب به نمونه‌هایی از آیات اشاره کرده‌اند. در زیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

- «فدک در تاریخ»، نوشته: سید محمدباقر صدر، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹. نویسنده به تحلیل تاریخی-کلامی ماجرای فدک پرداخته و متن کامل خطبه را با شرح مفاهیم کلیدی بحث کرده است.

- خطبه حضرت زهرا (س) در مسجد مدینه (فدکيه)، نوشته محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۰. ترجمه روان خطبه به همراه تفسیر ادبی و استخراج مباحث اعتقادی، اجتماعی و حقوقی. شامل پانوشته‌های توضیحی برای عبارات مشکل از ویژگی‌های این کتاب است.

- فدک و عواقب آن، نوشته آیت‌الله جعفر سبحانی، انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵. این کتاب به بررسی سندیت تاریخی خطبه، تحلیل محتوای کلامی آن و پاسخ به شبهات پیرامون واقعه فدک از منظر علم کلام پرداخته است.

- مقاله «بررسی اقتباسات حضرت فاطمه از آیات اجتماعی قرآن در خطبه فدکيه»، نوشته اصغر طهماسبی بلداج، فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۳، مهر ۱۴۰۳. این پژوهش با تأکید بر خطبه فدکيه، اقتباسات حضرت فاطمه (س) از آیات اجتماعی قرآن را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

-مقاله «کارکرد تفسیری اقتباسهای قرآنی خطبه های حضرت زهرا» ، نوشته فتحیه فتاحی زاده و دیگران، مجله مطالعات تفسیری، شماره ۳۰، ۱۳۹۶، که صرفاً اقتباسات قرآنی در خطبه فدکیه مورد بررسی قرار گرفته و آیات مرتبط با این اقتباسات، استخراج شده است و بیشتر این پژوهش بر محور استخراج اقتباسات قرآنی در خطبه فدکیه و گونه شناسی آنها بوده است.

- مقاله «گونه شناسی استشهدهای قرآنی خطبه فدکیه»، نوشته نصرت نیل ساز و زهره بابا احمدی، مجله سراج منیر، دوره ۷، شماره ۲۳، ۱۳۹۵.

-مقاله «تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا(س)» ، نوشته محمدحسین توانایی، فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش های نهج البلاغه»، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۷-۱۵۰. نویسنده در این مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان برای کشف لایه های پنهان قدرت، مقاومت و هویت سازی در خطبه اقدام کرده است.

- مقاله «بازتاب مبانی حقوق بشر در خطبه فدکیه» ، نوشته فاطمه احمدی، مجله «مطالعات اسلامی زن و خانواده»، شماره ۱۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۳۵-۶۲. این مقاله به تطبیق مفاهیم خطبه با اصول حقوقی مدرن مانند حق مالکیت، عدالت قضایی و حقوق زنان پرداخته است

- مقاله «اسلوب های بلاغی در خطبه فدکیه»، نوشته سید محمود مرتضوی، نشریه «ادب عربی» (دانشگاه تهران)، دوره ۱۰، شماره ۲، ۱۳۹۸، صص ۸۹-۱۱۱. این مقاله به بررسی صنایع بدیعی، استعاره ها و ساختارهای ادبی خطبه به عنوان الگویی از فصاحت پرداخته است.

- رساله «سیر تطور نقل خطبه فدکیه در منابع کهن تا قرن هفتم»، نوشته زهرا رضوی مقطع: دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران، پردیس فارابی، ۱۳۹۶. در این رساله به مقایسه نسخ خطی قدیمی (ابن طاووس، بلاذری، شیخ مفید) و بررسی تحریفات احتمالی در نقل خطبه فدکیه پرداخته شده است.

-پایان نامه «خوانش فمینیستی از گفتمان مقاومت در خطبه فدکیه»، نوشته مریم حسینی، مقطع کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۴۰۱. تحلیل مواضع حضرت زهرا(س) به مثابه الگویی برای کنشگری زن مسلمان در عرصه عمومی از مهمترین عناصر پایان نامه است. و منابع دیگر. اما تبیین این مسأله، توضیح انواع و میزان استناد به آیات در این خطبه این نوشته را از سایر تحقیقات متمایز می سازد.

بررسی مستندات قرآنی خطبه فدکیه

آیاتی که آن حضرت به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در این خطبه به کار گرفته اند در حدود پنجاه و سه آیه است که سعی می کنیم به بارزترین استنادات و نحوه استشهاد به آیات اشاره کنیم و به تناسب بحث ها، به اقوال مفسران و ارتباط فرمایش حضرت با آیات بپردازیم.

۱- در حمد و ثنای الهی

فاطمه زهرا (س) بعد از اطلاع از مصادره فدک به مسجد پیامبر (ص) رفت و با ستایش خداوند چنین آغاز نمود: «الحمد لله ... و الثناء بما قدم من عموم نعم ... جَمَّ عَنِ الإحصاء عددها و نأى عن الجزاء أمدّها ... و ندبهم لاستزادتها بالشكر لاتصالها ...»

۱-۱- «جَمَّ عَنِ الإحصاء عددها» به شیوه تلمیح از آیه «...وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا ...» (ابراهیم/ ۳۴)

آن حضرت بعد از حمد و ثنای الهی به توالی نعمت‌ها و هماهنگی بین آنها اشاره می‌کنند و سپس می‌فرمایند نعمت‌های خداوند قابل شمارش نیست. و این اشاره به سخن خداوند است که می‌فرماید اگر بخواهید نعمت‌های خدا را شماره کنید نمی‌توانید.

واژه «جَمَّ» در لغت به معنی زیاد، انبوه و بسیار از هر چیز آمده است یعنی «کَثُرَ». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۲۰۰). و این واژه وقتی با حرف جرّ «عن» متعدی شود معنای تجاوز و زیادی از حد را می‌دهد. (تهرانی، ۱۳۹۱: ۳۶). و «احصاء» نیز به معنی تحصیل با عدد و به دست آوردن با شماره را گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۰).

مفسران در تبیین این آیه می‌نویسند که نعمت‌های خدا از محدوده عدد و شماره بیرون است و این مسأله در مورد همه نعمت‌ها صدق می‌کند. (ر.ک به طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸۶/۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۸/۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۷۶/۱۶). حضرت زهرا (س) نیز با الهام از آیه فوق انسان را در برابر شمارش نعمت‌های الهی ناتوان معرفی می‌کند.

۱-۲- «و ندبهم لاستزادتها بالشكر ...» به شیوه تلمیح از آیه «...لَنْ يَشْكُرَكُمْ لَأَزيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم/ ۷)

«ندب» در لغت یعنی آنچه به آن امر می‌شود و در شرع همان نافله است (عسگری، ۱۴۰۰: ۲۲۰) و «مندوب» هم که از واژه «ندب» گرفته شده است یعنی کارهایی که انجام آنها استحقاق ثواب داشته ولی در ترک آنها عقابی وجود ندارد (طریحی، ۱۳۷۸: ۱۷۰/۲).

در تفاسیر، شکر را اعتراف به نعمت منعم و واجب عقلی می‌دانند و معتقدند که خداوند در این آیه وعده زیاد کردن نعمت را به طور صریح و مؤکد آورده است ولی در تهدید علیه کفران نعمت به تعریض و اشاره بسنده کرده است و نعمت هم اعم از نعمت‌های دنیوی و اخروی است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۱/۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۲/۱۲؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲۵۱/۱).

پس شکر نعمت باعث فرونی نعمت‌ها و کفران آن باعث انقطاع نعمت‌ها می‌شود. و حضرت زهرا (س) می‌فرماید اگر انسان می‌خواهد همواره نعمت‌های خداوند به او برسد و او از آنها بهره‌مند شود باید همیشه و در همه حال شکر گزار خداوند باشد.

۲- توحید و دیگر صفات الهی

آن حضرت بعد از حمد و ثنای الهی به وحدانیت خداوند شهادت داده و سپس به برخی از صفات سلبی او اشاره می‌کند. و در پایان این بخش، سخنان خود را با بیان حکمت پاداش‌ها و کیفرها برای اهل آن و فلسفه آفرینش به پایان می‌رساند و می‌گوید:

۲-۱- «وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ...» به شیوه تلمیح اشاره به آیات متعددی دارد از جمله: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا...» (طه/ ۱۴) و یا «...إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ...» (نمل/ آیات ۶۴-۶۵) و آیات دیگر.

حضرت فاطمه زهرا (س) با آوردن عبارت «جعل الأخلاص تأويلها» می‌خواستند بیان کنند که صرف اعتقاد به وحدت اله کافی نیست بلکه در تأویل آن و منطبق کردن آن بر اوضاع خارجی هم باید عامل بود که مردم آن زمان با کنار زدن دستور خداوند در انتخاب جانشین، این کلمه را تحقق نبخشیدند (ر.ک: حسینی زنجانی، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۵۸).

۲-۲- «الممتنع من الابصار رؤيته» به صورت تلمیح از آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ...» (انعام/ ۱۰۳) طبق اقوال صحیح، خداوند نه تنها با چشم سر قابل رؤیت نیست بلکه در گمان وهم و خیال هم نمی‌گنجد. و حضرت زهرا (س) نیز همین مطلب را به صراحت بیان می‌کند و زبان را از وصف او قاصر و اوهام را از تصویر آن ناتوان می‌داند.

۲-۳- «ابتدع الأشياء لا من شيء كان قلبها» به صورت تلمیح از آیه «...بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (بقره/ ۱۱۷) «ابداع» همان انشاء و آفریدن است که بدون نمونه قبلی ایجاد و انجام شود و کلمه «بدیع» به معنی آفرینش و ایجاد چیزی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۱۱۰). در آیه فوق مُبْدِع به معنای اختراع کننده است و مبتکر کسی است که از دیگران تقلید نکند و عبارت «و اذا قضی امرا...» کنایه از عظمت و قدرت خداوند است. (مغنیه، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۸۷). براساس تفاسیر، خداوند همه چیز را از کتم عدم و با علم خود آفریده است و حضرت فاطمه زهرا (س) نیز با الهام از آیه فوق، خداوند را آفریدگار پدیده‌ها بدون هیچ الگو و نمونه قبلی معرفی می‌کند.

۲-۴- «من غیر حاجه الی تکوینها» به صورت تلمیح از آیه «إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت/ ۶)؛ یعنی هدف خداوند از آفرینش پدیده‌ها و جهان هستی سود بردن از آنها نبود چون نیازی به آفریدن آنها ندارد. و از تفاسیر بر می‌آید که صبر انسان در اوامر و نواهی وجود با دشمن و غیره نفعش به خود او می‌رسد و خداوند احتیاجی به انجام آن کار ندارد (ر.ک: طوسی، بی تا: ۱۸۸/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۱۰؛ مراغی، بی تا: ۱۱۵/۲۰) و عبارت حضرت نیز همین مفهوم را می‌رساند.

۲-۵- «تَعْبُدُ الْكَبَرِيَّةَ» به صورت تلمیح از آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶).

آن حضرت در ادامه می‌فرماید: هدف خداوند از آفرینش این بود که حکمت خود را استوار سازد و مردم را به اطاعت خود وا دارد. و آیه مبارکه فوق هم غرض از آفرینش انس و جن را عبادت خداوند معرفی می‌کند و در روایات متعدد هم به این مسأله تأکید شده است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۱۱۷/۵؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۱۱۶/۴).

۳- نبوت

ایشان بعد از بحث مفصل و دقیق درباره توحید و عبودیت به بحث نبوت پرداخته و می‌فرماید: «اشهد أن ابی محمداً عبده و رسوله اختاره و انتجبه قبل أن ارسله... علماً من الله تعالى بمآل الأمور و احاطة بحوادث الدهور و معرفة بمواقع الأمور...»

۳-۱- «احاطه بحوادث الدهور» به صورت تلمیح از آیه «... وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً» (طلاق/۱۲).

۳-۱-۱- واژه «احاطه» (حوط):

صاحب کتاب معجم مقایس اللغة می‌نویسد:

حاء، واو، طاء یک کلمه واحدی است که عبارت است از طواف یک چیز بر چیز دیگر. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۲۰/۲). و در مفردات راغب هم آمده است که: حائط دیوار است که مکان مخصوصی را فرا گیرد و احاطه هم در اجسام و هم در علم و غیر آن به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۲۶۵).

۳-۱-۲- واژه «دهور»:

صاحب التحقيق می‌گوید: اصل در این ماده یک چیز است و آن مجموعه‌ای است از امتداد زمان و آنچه در آن از کائنات است و این معنی مطلق است و از ابتدای زمان و آفرینش تا آخر را شامل می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲۷۸/۳). برخی هم دهر را به معنی مطلق زمان دانسته‌اند (ر.ک: قریشی، ۱۳۷۱: ۳۶۳/۲).

۳-۱-۳- اقوال مفسرین

در تفسیر منهج الصادقین آمده است که: أن الله قد احاط بكل شيء علماً؛ یعنی علم او به همه اشیاء محیط است و هیچ چیز از موجودات علوی و سفلی از دایره علم و قدرت وی خارج نیست (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۲۷/۹) و صاحب المیزان هم این قسمت از آیه را یکی از نتایج مترتب بر خلقت آسمان‌ها و زمین می‌داند و بر آن است که قدرت خداوند شامل هر چیز و علمش هم محیط بر همه چیز است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۴: ۵۴۶/۱۰)

در تفاسیر دیگر هم احاطه خداوند به همه چیز از امور مسلم بوده و بر آن هستند که کسی که خالق و آفریننده است می‌تواند به آفریده‌های خود احاطه کامل داشته باشد (ر.ک: قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۱۸/۱۰).

بنابراین خداوند که خالق همه چیز می‌باشد به همه پدیده‌های جهان و هستی احاطه کامل دارد. حضرت صدیقه طاهره (س) نیز با الهام از قرآن می‌فرماید: خداوند به تمام رخدادهای روزگاران احاطه دارد پس ای سرمداران سقیفه، مطمئناً خداوند بر حوادث این عصر نیز احاطه داشته و از عواقب کار شما و ما باخبر است.

۳-۲- «مَنْكَرَهُ اللَّهُ مَعَ عِرْفَانِهَا» به صورت تلمیح از آیه «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا...» (نمل / ۱۴).

۳-۲-۱- مفردات

دو واژه «انکار و جحد» و نیز «عرفان و یقین قلبی» به یک معنی به کار می‌روند، به این صورت که واژه «منکره» دلالت می‌کند بر معرفتی که قلب نسبت به آن ساکن است و به زشتی آن حکم می‌کند و واژه «عرفان» به معنی درک و دریافت چیزی از روی اثر آن با اندیشه و تدبّر است و واژه «جحد» به معنای انکار حق با علم به آن است و واژه «یقین» به معنی علم و زوال اشک است. (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲۶۵/۱۲؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۶۲۵/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۷۶/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۵۶۰).

۳-۲-۲- اقوال مفسران

از امام صادق (ع) دربارهٔ وجوه کفر سؤال شد که آن حضرت در بیان مفصلی یکی از اقسام آن را کفر جحدی معرفی می‌کند که قلباً یقین بکند ولی از روی عناد و تکبر و نخوت انکار کند و در آن این قسمت از آیه را بیان فرمود (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸: ۱۱۷/۱۰). در تفاسیر دیگر نیز به همین مطلب اشاره شده است. (ر.ک: قریشی، ۱۳۷۷: ۴۳۷/۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۱۲/۱۵).

بنابراین علم و یقین زمانی پسندیده است که همراه با تسلیم در برابر حق باشد و گرنه کفر جحدی است و قرآن دربارهٔ این گونه افراد وعدهٔ عذاب داده است. و حضرت فاطمه (س) نیز با اشاره به همین گفته فرموده‌اند که دستگاه خلافت و شما مردم یقین دارید که ما اهل بیت، حق هستیم ولی از روی علم و آگاهی انکار می‌کنید و این کار شما عین کفر جحدی است.

۳-۳- «هَدَا هُم إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ» به شیوهٔ تلمیح از آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...» (اسراء / ۹).

این بیان اقتباسی از آیه فوق است که می‌فرماید: قرآن کریم به سوی راست‌ترین راه‌ها که همان دین پایدار است هدایت می‌کند. که منظور از راست‌ترین راه به عقیدهٔ برخی مفسرین هدایت به سوی ولایت و امامت است (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۸۲/۲؛ نیز بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۵۰۹/۳).

۴- قرآن و فلسفه احکام

سپس حضرت زهرا (س) به حاضران رو کرده و از خلف وعدهٔ آنها و خیانت آنها در امانت پرده بر می‌دارد و می‌فرماید برای خداوند در بین شما عهد و پیمانی است که سابقاً به شما بیان کرده‌اند و شما مسیر دین را منحرف ساختید. در قسمتی از خطبه فرمود:

۴-۱- «وَالصَّلَوةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ» به صورت تلمیح از آیه «... وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره / ۴۵).

براساس تفاسیر (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱/۱۲۶؛ قریشی، ۱۳۷۷: ۱/۱۱۳) استعانت از نماز برای کسانی سنگین است که متکبر و خود باخته‌اند ولی برای خاشعین و افراد فروتن آسان است و هدف خداوند از وجوب نماز بر انسان، پیروزی او بر صفت زشت تکبر و خود بزرگ‌بینی است و حضرت زهرا (س) هم فرمودند اگر نماز به پا دارید از کبر دور خواهید ماند.

۴-۲- «وَالزَّكَاةَ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ»؛ به صورت تلمیح از آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...» (توبه ۱۰۳).

صاحب قاموس می‌گوید: «زکات به معنی نمو و زیادت است و به معنی تزکیه و پاکیزگی هم آمده است و این دو مخالف هم نیستند؛ چون پاکیزگی همان نمو نفس و ترقی و ارتقاء آن است.» (قریشی، ۱۳۷۱: ۳/۱۷۰). با پرداخت زکات، انسان‌ها از رذایل اخلاقی، دنیاپرستی و بخل پاک می‌شوند و نهال نوع دوستی و سخاوت و غیره در آنها پرورش یابد. و حضرت زهرا (س) نیز با اشاره به آیات قرآن، زکات را در ردیف نماز و سبب تزکیه نفس و رشد و فزونی روزی معرفی می‌کند.

۴-۳- «وَالْقِصَاصَ حَقًّا لِلدِّمَائِ» به صورت تلمیح از آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ...» (بقره ۱۷۹). صاحب لسان العرب می‌نویسد: «حقن الشيء» یعنی آن را نگهداشت و محقون و حقین یعنی زندانی. و «حقن له دمه» یعنی برای او خونس را حفظ کرد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳/۱۲۶).

و در تفاسیر هم از قصاص به عنوان عامل امنیت مردم و دوری از قتل و تعدی به دیگران نام برده شده است (مغنیه، ۱۳۷۸: ۱/۴۹۲؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ۱/۳۲). حضرت زهرا (س) نیز همین معنا را مدنظر داشت.

۴-۴- «وَالنَّهْيَ عَنْ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجَسِ» به صورت تلمیح از آیه «...إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ...» (مائده ۹۰).

واژه «خمر» برای پوشاندن جهات داخلی و باطنی است، همان طور که واژه «ستر» غالباً برای پوشاندن جهات خارجی است. و وجه تسمیه شراب به «خمر» آن است که قوا و حواس انسان را می‌پوشاند. (رک مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۳/۱۴۲؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲/۱۸۱۸). «رجس» هم به معنی پلید، حرکت آرام و آهسته، وسوسه شیطان و ... آمده است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۱ق: ۶/۵۲؛ ابن عباد، ۱۴۱۴ق: ۷/۱۰).

در تفاسیر آمده است که هر آنچه که سکرآور باشد خمر است و خمر هم رجس پلید است. (ر.ک: حقی بروسوی، بی‌تا: ۲/۴۳۵؛ قمی، ۱۳۶۲: ۱/۱۸۰). حضرت زهرا (س) نیز با اشاره به همین آیه می‌فرماید: نهی از شراب باعث دوری از پلیدی است.

۴-۵- «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» به صورت اقتباس از آیه «...اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران ۱۰۲) و نیز آیه «...فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره ۱۳۲).

منظور از «حق تقاته» یعنی تقوای خداوند و آنچه از آن حق خداوند است واجب است و «لا تموتن و...» به این معنی است که زمانی که مرگ شما را در می‌یابد بر حالی غیر از حال اسلام نباشید (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۶۹/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۵۹/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۳۹۴).

حضرت زهرا (س) نیز در خاتمه فلسفه احکام می‌خواهند بگویند که حق تقوا و خداپرستی را به جا آورید و سعی کنید در مسیر اسلام قرار بگیرید و خدا را در آنچه که امر و یا نهی کرده است فرمان ببرید. ولایت و امامت اهل بیت نیز از جمله احکام و دستورات الهی می‌باشد و تبعیض در فرمانبرداری اوامر و نواهی عین کفر و خروج از ایمان حقیقی است و حق تقوای الهی در آن رعایت نمی‌شود.

۴-۶- «انما يخشى الله من عباده العلماء» به شیوه اقتباس از آیه «... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ..» (فاطر / ۲۸).
راغب در مفردات می‌گوید: «خشیت بیمی است که با تعظیم و بزرگداشت چیزی همراه است و بیشتر این حالت از راه علم و آگاهی نسبت به چیزی که از آن خشیت و بیم هست حاصل می‌شود لذا دانشمندان مخصوص چنان حالتی هستند.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۲۸۳).

طبق اقوال مفسرین (ابن جوزی، ۱۴۲۳ق: ۵۱۰/۳؛ حسینی زنجانی، ۱۳۸۳: ۴۰۵-۴۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۲۳۷/۴) عالم کسی است که با علم و آگاهی از خداوند خوف داشته باشد و اوامر او را اطاعت کند. و حضرت زهرا (س) با بیان این آیه می‌فرمایند که شما ای اصحاب رسول خدا (ص) باید در عالی‌ترین درجه تقوا باشید؛ چون پدرم را که معلم قرآن و حکمت بود درک کردید و نسبت به دیگران از آن آگاه هستید و باید فرامین پیامبر (ص) را که مهم‌ترین آن دستور به پذیرش ولایت و امامت است بپذیرید و هیچ گونه تبعیضی روا ندارید.

۵- معرفی فاطمه زهرا(س) از زبان خود آن حضرت

آن حضرت نخست خود را فرزند پیامبر معرفی می‌کند و سپس عظمت پیامبر (ص) و علی(ع) را و نقش حیاتی آن دو بزرگوار را در تحول جامعه جاهلی خاطر نشان می‌کند و مردم غفلت زده را به حفظ دستاورد وحی فرا می‌خواند و در آخر به حکایت پاره‌ای از فداکاری‌های امام (ع) می‌پردازد تا شاید اذهان بر خفتگان بیدار شود. قسمتی از فرمایش آن بزرگوار چنین است.

۵-۱- «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ...» به شیوه اقتباس از آیه ۱۲۸ سوره توبه.

۵-۱-۱- مفردات:

«نفس» در اصل به معنی ذات است و در قرآن هم به معانی مختلف و از جمله «ذات شخص» آمده است. (قریشی، ۱۳۷۱: ۹۳/۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۸۱۸).

«عزیز» در مقابل «ذلیل» به معنی بلندمرتبه و بالا بودن نسبت به کسی که دون اوست می‌باشد. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۷۴/۵؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق: ۳۶۱/۲).

«عنت» یعنی فساد، گناه، هلاکت، وارد شدن مشقت و سختی بر انسان (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۹۳/۳؛ طریحی، ۱۳۷۸، ۲۱۱/۲).

۵-۱-۲- اقوال مفسران

در تفسیر اطیب البیان آمده است: «...در دوره بعثت مشرکین در سختی شدیدی بودند، قتال و خونریزی رواج داشت و قحطی و ذلت آنها را فرا گرفته بود حضرت با کمال عزت و شوکت و قدرت تمام این ابتلائات را از آنها برداشت...» (طیب، ۱۳۷۸: ۳۳۹/۶).

و در دیگر تفاسیر هم آمده است که پیامبر اسلام (ص) که از جنس بشر، و از قوم عرب و از فرزندان اسماعیل بوده است به سوی آنها آمد و بر سختی آنها دوام نمی‌آورد و شدت و محنت آنها بر وی گران بود و علاقه وافر به هدایت آنها داشت و مثل خودش نسبت به آنان رئوف و مهربان بود و لذا بر مردم است که از او اطاعت کنند و اطاعت از او را اطاعت خدا تلقی کنند (ر.ک: طبرسی، بی تا: ۵-۱۳۰/۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۲: ۴۳۷/۹).

حضرت زهرا (س) با بیان این آیه می‌خواهد بگوید که رسول خدا (ص) که این اندازه دلسوز شما بود و شما هم باید بدون هیچ قید و شرطی از او اطاعت می‌کردید پس چرا از دستور او سرپیچی می‌کنید و با من این رفتار را می‌کنید؟! ۵-۲- «صَادِعًا بِالْأَنْدَاةِ» به شیوة تلمیح از آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ...» (حجر / ۹۴).

یعنی پیامبر اسلام (ص) در جمعی که سکوت و خاموشی همه جا را فرا گرفته بود حق و توحید را اظهار کرد و مردم را از حساب و کتاب هشدار داد.

۵-۳- «دَاعِيَا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمِ...» به صورت تلمیح از آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ...» (نحل / ۱۲۵).

۵-۴- «حتى انهزم الجمع وولوا الدبر» به صورت تلمیح از آیه «سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدَّبَرَ» (قمر / ۴۵).

این فرمایش حضرت زهرا (س) اشاره به آیه فوق است که در آن خداوند به پیامبرش خبر پیروزی بر مشرکان را داده بود و اعلام کرده بود که مشرکان به زودی شکست خورده و فرار می‌کنند. و این امر در روز جنگ بدر اتفاق افتاد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۰: ۴۸/۲۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۰۶/۹).

۵-۵- «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» به صورت اقتباس از آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران است.

«و كنتم على شفا حفرة من النار» یعنی شما به واسطه ضلالت و جهالت بر کنار گودال‌های آتش یعنی مشرف بر وقوع در آتش جهنم به جهت کفر بودید؛ زیرا اگر در حال کفر، مرگ به شما می‌رسید هر آینه در جهنم مغلد بودید به عذاب» (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۹۷/۲).

و در تفسیر نورالثقلین هم آمده است که امام صادق (ع) فرمودند: «و كنتم...» یعنی این کار را به واسطه محمد (ص) انجام داد. (عروسی حویزی، ۱۴۰۵ق: ۳۷۸/۱).

حضرت زهرا(س) نجات مردم را به دست پیامبر(ص) به آنان گوشزد کرده و می‌فرماید شما به سبب کفر و عناد در لبه آتش جهنم بودید و پیامبر(ص) شما را نجات بخشید. و الان این ناسپاسی و سرپیچی از دستور پیامبر دوباره شما را در پرتگاه آتش جهنم قرار خواهد داد.

۵-۶- «تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ» به صورت اقتباس از آیه بیست و شش سوره مبارکه انفال است. «خطف» یعنی گرفتن با قهر و سرعت را می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۷۵/۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۱ق: ۲۲۱/۴). و «تخافون ان يتخطفكم الناس» یعنی بیم داشتید که اگر از مکه خارج شوید مشرکین عرب و به قولی مشرکین قریش و ... شما را غافلگیر سازند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۹۶/۱۰). و برخی هم می‌گویند: یعنی شما می‌ترسیدید که شما را برابیند و دشمنان بر شما مسلط شوند (نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ۳۹۱/۳).

این که منظور از «ناس» در این آیه چه کسانی‌اند، نظرات مختلف است اما حضرت زهرا(س) این آیه را در مورد وضع مردم قبل از اسلام فرموده‌اند که پیامبر(ص) آمد و آنان را از ظلم و ستم قدرتمندان و ظالمان نجات داد. ۵-۷- «كَلِمَا أَوْقَدُوا نَارًا الْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» به صورت اقتباس از آیه «... كَلِمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ...» (مائده/ ۶۴).

«وقد» به معنی سوختن در آتش است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۹۰/۱۳). و واژه «اطفاء» یعنی خاموش کردن آتش (قریشی، ۱۳۷۱: ۲۲۵/۴) و مفهوم آیه این است که هر زمان یهودیان آتش جنگی بر افروزند و در خارج و داخل فتنه‌ای برانگیزند خداوند آن را خاموش می‌سازد. ماجرای بنی نضیر و بنی قریظه و غیره شاهد آن است. (ر.ک: به میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۴۲۰/۲؛ بلخی، ۱۴۲۲: ۴۹۰/۱؛ قریشی، ۱۳۷۷: ۱۰۵/۳) حضرت زهرا(س) با بیان این آیه می‌خواهد بفرماید خداوند به وسیله پیامبر(ص) آتش جنگ یهود را خاموش می‌کرد و پیامبر(ص) نیز در این جنگ‌ها برادرش امام علی(ع) را به میدان جنگ می‌فرستاد و ایشان هم از میدان بر نمی‌گشت مگر این که شعله‌های فتنه را خاموش کرده باشد.

۵-۸- «تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ» به صورت تلمیح از آیه «... وَ يَتَرَبَّصْنَ بِكُمُ الدَّوَائِرَ...» (توبه/ ۹۸).

۵-۸-۱- مفردات

«تربص» به معنی انتظار کشیدن روز برای چیزی، درنگ کردن و انتظار داشتن با مال و متاع که قصد گرانی یا ارزانی آن متاع باشد (فراهیدی، ۱۴۰۱ق: ۱۲/۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۲۳۸).

«دوائر» یعنی گردنده، و مراد از آن اغلب حادثه و بلایی است که در دنیا می‌گردد و به انسان می‌رسد (قریشی، ۱۳۷۱: ۳۷۷/۲).

۵-۸-۲- اقوال مفسران:

طبق اقوال مفسران (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۱/۱۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۹۰) گروهی از مسلمانان که همان منافقان بودند منتظر بودند که حوادث بد و دردناک در مورد پیامبر و مؤمنان اتفاق بیفتد و آنها بتوانند چهره واقعی خود را که همان بازگشت به شرک است نشان دهند. و حضرت زهرا (س) نیز همین مطلب را به صراحت به انسان‌های به ظاهر مسلمان فرمود که مصداق واقعی این آیه در این زمان همان غاصبان خلافت و چهره‌های منافق هستند.

۶- بدعت‌ها و فتنه‌های بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص):

در این بخش، ابتدا به منافقان و دشمنان اصلی اسلام اشاره کرده و ماهیت آنان را افشا می‌کنند و سپس به سیاست‌بازان فرصت طلب که در سقیفه گرد آمدند و تویخ مهاجران و انصار و شتابزدگی آنان در انتخاب خلیفه می‌پردازند و انگیزه آنان را از تشکیل شورا در سقیفه نادرست خوانده و برگرفته از الهامات شیطان می‌خوانند و به خطرات پیش روی مسلمانان و انحراف آنان که از سقیفه شروع شد هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

۲-۶-۱- «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» به صورت اقتباس از آیه ۴۹ سوره توبه.

«فتنه» در لغت به معنی واجب بودن همراهی اختلال با اضطراب، امتحان و آزمایش است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۲۳/۹؛ ز محشری، ۱۴۰۷ق: ۱۸/۳).

مفهوم آیه فوق این است کسانی که از گرفتار شدن در فتنه و بلا احتراز می‌کردند با همین عملشان در فتنه گرفتار شده‌اند و شیطان آنها را فریب داده و هلاکشان کرده است. و دو عبارت فوق در واقع به یک معنا هستند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۰/۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق: ۷۲/۲).

هر چند این آیه درباره عملکرد گروهی از منافقان نازل شده بود اما آن حضرت می‌خواست با ذکر این به غاصبان خلافت نشان دهد که آنها که مانند منافقان خوف از فتنه را بهانه کرده و سقیفه را تشکیل دادند و از حالا در بلا افتاده‌اند.

۶-۲- «أَنْتِ تُؤَفِّكُونَ» به صورت اقتباس از آیه ۹۵ سوره انعام.

«افک» به معنی دروغ، انصراف از وجهه شایسته هر چیزی، انقلاب چیزی از جهت آن. (فراهیدی، ۱۴۰۱ق: ۴۱۶/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۱۸/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۷۹).

در این آیه خداوند کسانی را که برای خدا شریک قایل می‌شوند تویخ می‌کند (ر.ک: زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۵/۷؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۹۶/۸). حضرت زهرا (س) هم با بیان این آیه می‌خواهند بگویند که وقتی خلیفه را خدا و پیامبرش به شما معرفی کرده‌اند پس چگونه با این دلایل روشن به طرف باطل می‌روید.

۶-۳- «بئس للظالمين بَدَلًا» به صورت اقتباس از آیه ۵۰ سوره مبارکه کهف.

«بَدَل» به معنی برداشتن اولی و گذاشتن دومی به جای آن است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۳۹/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۹/۱۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۱ق: ۴۵/۸).

حضرت صدیقه طاهره (س) هم با بیان این آیه می‌فرمایند: وقتی شما جانشین واقعی پیامبر (ص) را پشت سر گذاشته و کس دیگری را انتخاب می‌کنید دست به عمل ظالمانه و غیر صحیح می‌زنید و بدانید که سرانجام شومی در انتظار ظالمان خواهد بود.

۴-۶- «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»، به صورت اقتباس از آیه هشتاد و پنج سوره مبارکه آل عمران.

واژه «یتبع» اشاره به طلب شدید و اراده مؤکد دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۳۳۴/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۱۳۶). مفهوم آن این است که هر کس غیر از دین اسلام را طلب کند از او پذیرفته نمی‌شود و اعمالی که او در آن دین به جا آورده است مورد پذیرش واقع نمی‌شود. و او به واسطه ترک اسلام در آخرت از زیانکاران خواهد بود (رک به شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۶۷/۲).

حضرت زهرا (س) با آوردن این آیه استدلال می‌کند که شما شرایطی را که در قرآن و سنت برای امامت مطرح شده است نادیده گرفتید و آن را کنار زدید و وقتی هم قرآن کنار رفت دیگر اسلامی باقی نمی‌ماند، و این هم یعنی خروج از دین اسلام، و زیانکار بودن انسان در دنیا و آخرت.

۷- احتجاج حضرت زهرا (س) درباره حق وراثت ایشان:

حضرت زهرا (س) در ابتدا هدیه بودن فدک را مطرح می‌کند و چون با رد آن مواجه می‌شود با اقامه دعوی از خود دفاع می‌کند و می‌فرماید:

۷-۱- «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ...» به صورت اقتباس از آیه پنجاه سوره مائده.

منظور از جاهلیت در این آیه همان جاهلیت قبل از اسلام است و مفهوم آیه این است که وقتی احکام و شرایع از ناحیه خدا وجود دارد و کسی بخواهد براساس چیزی غیر از حکم حق، قضاوت کند در واقع براساس جاهلیت حکم داده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۳/۵؛ نیز ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۰۵ق: ۶۴۰/۱؛ طوسی، بی تا: ۵۴۹/۳).

حضرت زهرا (س) هم با این آیه مبارکه می‌خواهد بگوید که در نگرش اسلامی قانون ارث، یک واقعیت بوده و انکار آن بازگشت به شیوه جاهلی و عمل براساس هوای نفس است.

۷-۲- «لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا» به صورت اقتباس از آیه «... لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا» (مریم/ ۲۷).

«فَرِيًّا» در لغت به معنی ساخته و نو در آورده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۶۳۴).

در تفاسیر آمده است که: این جمله نوعی طعن و تقبیح است از مردم به مریم که منشأ آن همان امر عجیبی است که از مریم مشاهده کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸/۱۴؛ و نیز ماوردی، بی تا: ۳۶۸/۳).

حضرت فاطمه (س) نیز محروم کردن اهل بیت، توسط خلیفه از ارث را بهتان، افتراء و نیز امر شگفت و نو در آورده می‌داند و می‌فرماید که این سخن خلیفه افترای بزرگ و دروغی آشکار است که بر قرآن بسته است.

۷-۳- «أَفَعَلِيَ عِمْدَ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذَ تَمُوْهُمُ وَّرَاءَ ظُهُورِ كَمْ» به صورت تلمیح از آیه «... نَبَذَ فَرِیقٌ مِّنَ الَّذِیْنَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَّرَاءَ ظُهُورِهِمْ...» (بقره/ ۱۰۱)

این آیه درباره یهودیان است که علی رغم ادعای عقیده به تورات، که به پیامبر اسلام (ص) بشارت داده است، و بر آن اساس باید به پیامبر موعود ایمان می‌آوردند اما آنها به هنگام ظهور پیامبر، تورات و قرآن را پشت سر انداختند به گونه‌ای که نه تورات می‌دانند نه پیامبر اسلام را می‌شناسند.

و منظور از «کتاب» قرآن است (دخیل، ۱۴۲۲ق: ۲۴/۱) ولی برخی آن را به تورات هم تعمیم می‌دهند (ر.ک: جعفری، بی تا: ۲۹۷/۱).

حضرت فاطمه (س) نیز به مردم حاضر می‌فرمایند شما که خود را مسلمان معرفی می‌کنید چگونه از عمل به قرآن اعراض می‌کنید و فرامین آن را پشت سر می‌اندازید؟

۷-۴- «و وِرْثَ سَلِیْمَانَ دَاوُودَ» به شیوه نقل مستقیم از آیه ۱۶ سوره نمل. در تفاسیر آمده است که منظور از ارث در این آیه علم و نبوت و ... نیست بلکه ارث مال و ملک بود؛ چون، نبوت و علم قابل انتقال نیست، و براساس این آیه معلوم می‌شود که پیامبران هم مانند دیگران مال به ارث می‌گذراند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۹۶/۱۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۸/۸۸).

حضرت فاطمه (س) نیز به شایستگی دریافته بودند که منظور ارث در این آیه، ارث در ثروت و مال دنیا است و با آن، با خلیفه اول احتجاج کردند که اگر داود (ع) از خود مال به جا می‌گذارد چرا پیامبر اسلام (ص) نتواند؟!

۷-۵- «فَهَبْ لِي مِّنْ لَّدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» به شیوه نقل مستقیم از آیات ۵-۶ سوره مبارکه مریم. همانطور که در تفاسیر آمده است منظور از «یرثنی ویرث من آل یعقوب» ارث اموال است نه نبوت؛ زیرا ظهور ارث در اموال است. وانگهی حضرت زکریا (ع) که می‌فرماید: «و انی خفت الموالی من ورائی» این را می‌رساند که او می‌ترسید که خانه و کاشانه را دیگران به ارث ببرند و اگر مراد نبوت باشد، جایی به این استدلال نیست. و از طرف دیگر، نبوت هم موروثی نیست و تنها براساس قابلیت است (ر.ک: قریشی، ۱۳۷۷: ۲۹۸/۶؛ و نیز طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۳). استشهد حضرت زهرا (س) به این آیات هم روشن است.

۷-۶- «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» به شیوه نقل مستقیم از آیه ۶ سوره احزاب. و این آیه هم اولویت در ارث را بیان می‌کند. که خویشاوندان نسبی در ارث بردن با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و حضرت زهرا (س) هم با بیان این آیه می‌خواهد بفرماید که طبق این آیه من از هر کس دیگری سزاوارترم که از پدرم ارث ببرم.

۷-۷- «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِ كَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ...» به شیوه نقل مستقیم از آیه یازده سوره نساء. استشهاده آن حضرت به این آیه بیانگر دو مطلب است: اول این که ایشان می خواستند با بیان این آیه با یک سنت جاهلی مبارزه کند و بفهماند که در عصر جاهلیت بود که دختران ارث نمی بردند ولی در اسلام برای دختر ارث مشخص شده است و ثانیاً در قرآن، آیه به طور مطلق، برای همه انسان ها این وضعیت را مشخص کرده و استثنایی قایل نشده است.

۷-۸- «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَلَدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» به شیوه نقل مستقیم از آیه ۱۸۰ سوره بقره.

در این آیه هم هیچ تغییر و استثنایی وجود ندارد و دلیل است بر این که هر کسی از خودش مال به جا گذاشته باشد به خویشاوندان خود باید وصیت کنند و استشهاد حضرت زهرا (س) کاملاً منطقی و محکم است.

۷-۹- «وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ» به صورت تلمیح از آیه «... وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ» (جائیه / ۲۷) منظور از «ساعه» همان قیامت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۴۳۴، ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۶۹/۸) و مراد از مبطلون یعنی اهل باطل و دروغ پرداز (ر.ک: حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۵۶؛ قریشی، ۱۳۷۱: ۲۰۱/۱)

معنای آیه هم این است که در روز قیامت و بازگشت به سوی خدا، آنهایی که حق را باطل جلوه می دادند و از آن اعراض می کردند زیانکار می شوند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۹/۱۸؛ علاءالدین، ۱۴۱۵ق: ۱۲۵/۴).

حضرت زهرا (س) هم با بیان این آیه به غاصبان فدک و خلافت فرموده که شما با جعل حدیث، حق را از بین بردید و به صاحبش برنگردانید سپس در قیامت در محکمه عدل الهی زیان خواهید دید و راه بازگشت هم وجود ندارد.

۷-۱۰- «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ» به صورت اقتباس از آیه ۶۷ سوره انعام. واژه «نبا» به معنی خبری است که فایده و سود بزرگی دارد که از آن خبر علم و دانش حاصل شود (راغب، ۱۴۱۶ق: ۷۸۸).

معنای آیه این است که هر خبری که خبردهنده اش خدا باشد زمان و مکانی دارد که بدون تخلف به وقوع می پیوندد و شما هم از زمان وقوع آن آگاه خواهید بود و این جمله تهدیدی است برای کسانی که حق را تکذیب کردند (مغینه، ۱۳۷۸: ۳۲۰/۳). حضرت فاطمه (س) با بیان این آیه به سردمداران سقیفه تحقق وعده های الهی را گوشزد می کند.

۷-۱۱- «سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ...» به صورت اقتباس از آیات «... فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ» (زمر/ ۴۰-۳۹).

مفهوم آیه با توجه به مطالب پیشین روشن است، الا این که در اینجا به صورت جمع گفته و غاصبان و سکوت کنندگان را به عذابی خوارکننده و دائم، هشدار می دهد.

واژه «مقیم» هم به معنی ثابت و پابرجا است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۶۹۰).

۸- سیمای انصار در بیان حضرت زهرا (س):

حضرت زهرا (س) در این بخش رو به انصار کرد و سابقه آنها را در یاری کردن پیامبر (ص) به آنها گوشزد کرد و از آنها خواست که او را در برابر این حق به غارت رفته یاری کنند ولی وقتی دید که اینها هم هیچ کمکی نکردند درباره عاقبت عملکرد آنان به عنوان اتمام حجت سخنانی بیان کرد و فرمود.

۸-۱- «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ...» به صورت اقتباس از آیه ۱۴۴ سوره مبارکه آل عمران. واژه «خَلَوْ» به معنی فارغ شدن و تمام کردن است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۳۷/۳). و واژه «عقب» به معنی پایان کار و اصطلاح «انقلب علی عقبیه» یعنی به حالت اول بازگشت (قریشی، ۱۳۷۱: ۲۲/۵).

در تفاسیر مختلف با اشاره به آیه فوق به این مطلب تذکر داده شده است که دین اسلام با رحلت پیامبر (ص) نباید کنار گذاشته شود و ایشان تنها ستاره خدا نبودند بلکه پیش از او هم فرستادگانی بودند که از دنیا رفته‌اند و بعد از پیامبر (ص) هر کس از دین برگردد به خودش ضرر زده است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۸/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۱۵/۳ و ...)

حضرت زهرا (س) نیز با تلاوت این آیه بر همگان روشن ساختند که قانون پیامبر (ص) مقطعی نبوده و سنت او پایان پذیر نیست و هر کسی سنت پیامبر (ص) را نادیده بگیرد و به قبل از اسلام برگردد در واقع به خودش ضرر زده است.

۸-۲- «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ...» به صورت اقتباس از آیه سیزده سوره توبه.

در این قسمت ایشان، انصار را مورد خطاب قرار داده و آنها را به مقابله با پیمان شکنان فرا می خواند و حال غاصبان حکومت را همان حالت مشرکان می داند که تصمیم به اخراج پیامبر (ص) گرفته بودند. این که منظور از پیمان شکنان دقیقاً چه کسانی اند اقوال مفسرین مختلف است: برخی گفته اند یهودیان و برخی هم می گویند منظور همان مردم مشرک قریش و اهل مکه هستند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۲/۱۱). برخی هم معتقدند ظاهراً منافقانی هستند که بعد از هجرت قسم خورده بودند که با پیامبر (ص) مخالفت نکنند ولی بعداً نقض عهد کردند. (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸: ۱۸۸/۶).

به هر حال، خیانت اهل سقیفه بر خاندان نبوت، کم از خیانت منافقان و دیگران نبوده است بدین جهت ایشان این را بر آن تطبیق داده و انصار را به مقابله با پیمان شکنان سقیفه فرا می خواند.

۸-۳- «...إِنْ تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...» به صورت اقتباس از آیه هشت سوره ابراهیم.

در این قسمت آن حضرت، تأکید دوباره ای به متضرر شدن کافران از این عمل زشت دارند و متذکر می شوند، که غیر از آنها کسی زیان نمی بیند و خداوند از ایمان آنان بی نیاز است.

۸-۴- «نَارَ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفْتَدَةِ» به صورت اقتباس از آیات شش و هفت سوره همزه است.

واژه «الموقده» از «وقد» به معنی آتش شعله‌ور شده است و در اصطلاح به معنی مکانی است که آتش شعله‌ور می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۷۹) و «افئده» به معنی قلب و دل است اما به اعتبار افروخته شدن گرما و حرارت به آن فؤاد می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۶۴۶؛ طریحی، ۱۳۷۸: ۱۱۸/۳).

مفهوم آیه با توجه به مطالب بالا این است که این آتشی است که از طرف خداوند برافروخته شده و شعله آن دل‌ها را مشتعل می‌سازد و هرگز خاموش نمی‌شود، و شارح خطبه فدکیه آورده است که: «حضرت زهرا (س) با استفاده از این آیات می‌خواهد بفرماید: برنامه این خلافت ظالمانه و استبدادی، نشان غضب و خشم خدا خورده و علامت ننگ و عار آن پایان‌ناپذیر و همیشگی است و دست یازنده به آن به آتش برافروخته خدا که تا ژرفای دل‌ها را می‌گیرد و می‌سوزاند افکنده خواهد شد...» (ر.ک: قزوینی، ۱۳۹۰: ۵۹۹ به بعد).

۸-۵- «و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون» به صورت اقتباس از آیه ۲۲۷ سوره شعرا. عموم مفسران در بیان مفهوم این آیه ضمن اشاره به این که واژه «منقلب» اسم مکان و یا مصدر میمی است، می‌گویند کسانی که ستم کرده‌اند (مشرکین) به زودی خواهند فهمید که به چه بازگشت گاهی بر می‌گردند و آن بازگشت گاه همان آتش است (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۵۲۰/۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۲: ۳۶۲/۱۵).

حضرت فاطمه زهرا(س) با استناد به این آیه، انصار را متوجه کردند که کسانی که به اهل بیت ظلم کنند عاقبت کارشان دوزخ و ذلت دنیا خواهد بود.

۸-۶- «و انا ابئنه نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» به صورت تلمیح از آیه «... ان هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» (سبأ/ ۴۶)

یعنی من دختر ترساننده از عذاب شدیدی که در پیش دارید هستم و آن حضرت می‌خواست بیان کند که پیامبری که حرفش راست بوده و شمار را از عذاب پیش رو باز می‌داشت، من هم دختر همان شخص هستم و از عاقبت ظلم و ستم شما بر شما بیمناکم.

۸-۷- «فاعملوا انا عاملون...» به صورت اقتباس از آیات ۱۲۲ و ۱۲۱ سوره هود می‌باشد. این آیات تهدیدی است نسبت به غیر مؤمنان و آنهایی که از شرک و فساد دست بر نمی‌دارند (ر.ک طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹۲/۱۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۴۶/۷؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۶۰/۶). حضرت زهرا (س) نیز همین عبارات را دقیقاً درباره لجاجت اهل سقیفه و بی‌اعتنایی به دادخواهی ایشان بیان فرمودند.

۹- سخنان خلیفه و پاسخ صدیقه طاهره (س) به وی: در این قسمت خلیفه اول با دروغ و تزویر و آوردن حدیث جعلی به ادعای حضرت زهرا (س) پاسخ داد که خود این افتراءها و سخنان دروغ و عوام‌فریبانه، پاسخ آن حضرت و احتجاج دوباره را در پی داشت.

ایشان با اشاره به خیانت وی در اجماع و جعل حدیث، غائله وی و سرمداران سقیفه را نظیر غائله‌هایی دانست که در زمان آن حضرت انجام می‌دادند. سپس در ادامه با الهام از آیات الهی فرمودند: «کَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً...» به شیوه اقتباس از آیه ۱۱۸ سوره یوسف.

واژه «السَّوِيل» یعنی جلوه دادن چیزهایی که نفس بر آنها حریص است و تصویر نمودن قبح و زشتی برای او به صورت حسن و خوبی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۴۳۷، فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۷/۲؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۳۶۵/۱۴). حضرت فاطمه زهرا (س) نیز با الهام از این آیه می‌فرماید: نه هرگز این گونه که شما می‌پندارید و وانمود می‌کنید نیست بلکه هواهای نفسانی و ریاست‌طلبی شما را فریب داده است تا برای رسیدن به این اهداف این دروغ‌ها را به پیامبر خدا نسبت دهید و من هم صبر کرده و از خداوند یاری خواهم جست.

۱۰- فاطمه (س) و مردم:

در این قسمت با توجه به اینکه خلیفه توپ را به زمین مردم انداخت و کسی هم انکار نکرد، خطاب به مردم آنها را متوجه این مسأله کرده و از گناه تهمت بر پیامبر (ص) و اهل بیت آنها را بر حذر می‌دارد و سکوت آنها را که مهر تأییدی بر اعمال غاصبانه خلافت است منتهی به عاقبت نافرجامی می‌داند، و با اشاره به آیات می‌فرماید:

۱۰-۱ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ...» به صورت اقتباس از آیه بیست و چهار سوره مبارکه محمد (ص).

«تذکر» به معنی اندیشیدن و چاره‌جویی است و بودن قفل بر قلب کنایه از عدم تدبّر و تفکر است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲/۳۲۵؛ قریشی، ۱۳۷۱: ۶/۲۳). حضرت زهرا (س) با تلاوت این آیه می‌خواهند بگویند که بر دل‌های آنان قفل زده شده و قابلیت هدایت را از دست داده‌اند.

۱۰-۲ «کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ...» به صورت تلمیح از آیه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین/۱۴) «الرّین» یعنی چرک و زنگی که بر روی چیزی با ارزش می‌نشیند و آن را فرا می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۳۷۳). مفهوم آیه این است که معاصی و گناهان سبب زنگ زدن و تاریکی دل‌های آنان شده است و راه خیر و نصیحت بر دل‌های آنها بسته شده است (ر.ک: شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴/۱۰۳؛ قریشی، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۳۴).

حضرت زهرا (س) در ادامه آیه قبلی، این آیه را تلاوت کرده تا بفهماند که اعمال ناشایست خلفا و اهل سقیفه مانع فهم حقایق هستند.

۱۰-۳ «فَاخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَابْصَارِكُمْ» به صورت تلمیح از آیه «... قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَابْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ...» (انعام/۴۶).

در تفسیر المیزان آمده است که گرفتن گوش و چشم به معنی ظاهری آن نیست بلکه کر و کور کردن آن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷/۱۳۱) و نظیر همین مطلب را ابن کثیر و دیگران هم آورده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳/۲۰۳؛ سبزواری

نجفی، ۱۴۱۹ق: ۱/۱۳۸)

حضرت فاطمه (س) نیز آنها را کر و کور خوانده و می گوید شما با این وضعیت که چیزی را در نمی یابید، بر گوش و چشم نیز پرده زده شده، نه آن گونه که باید می شنوید و نه می بینید.

۱۰-۴ «و بدا لکم من ربکم مالم تکنوا تحتسبون» به صورت تلمیح از آیه «... وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ» (زمر/۴۷).

مفهوم آیه این است که مشرکان در قیامت با اموری بر خواهند خورد که وضع آن امور مافوق تصور آنها و هول انگیزتر از آن بود که به ذهن آنها خطور کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۴۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹/۴۸۹).

آن حضرت نیز به غاصبان خلافت با الهام از این آیه می فهماند که چه عذاب دردناکی در انتظار آنها است. ۱۰-۵ «وخسر هنالک المبتلون» به صورت اقتباس از آیه هفتاد و هشت سوره غافر.

این مطلب در واقع در ادامه همان سخنان گفته شده است.

آن حضرت بعد از اتمام حجت با مردم، رو به قبر مطهر پیامبر (ص) می کند و فقدان او را مایه این همه رنج و محنت به اهل بیت (ع) می خواند، به گونه ای که اگر آن حضرت حضور داشتند کسی جرأت نمی کرد این همه بی احترامی به این خاندان روا بدارد.

نتیجه گیری

پیامبر اکرم (ص) و عترت ایشان انسان های وارسته ای بودند که به دنبال مقاصد و اهداف شخصی و دنیوی نبودند و در این موارد با مسامحه برخورد می کردند اما آن جایی که مسأله حقوق الهی و اجتماعی مطرح می شد اهتمام جدی داشته و کوتاه نمی آمدند. فدک و مسأله غصب آن از سوی خلیفه از این نوع بود و بدین خاطر حضرت فاطمه (س) همه تلاش خود را برای احقاق حق و برگرداندن آن به کار گرفت. و همان طور که از فحوای سخنان ایشان بر می آید حتی گاهی صراحت تام دارد، غصب فدک مقدمه ای برای اهداف و اغراض سیاسی از طرف حاکمیت بود و گر نه اینها اهل بیت را به خوبی می شناختند و توصیه پیامبر (ص) را درباره آنان شنیده بودند اما آنچه که دیدگان آنان را کور و گوش هایشان را ناشنوا گردانید. پیروی از شیطان نفس و قدرت طلبی بود و حضرت زهرا (س) با علم به این مسأله و شناخت کافی از ماهیت عمل آنان جهت اتمام حجت در مجلس حاضر شدند و با سخنانی سراسر مستند به آیات قرآن و برگرفته از آن از یک طرف چهره واقعی مسلمان نمایان حاکم و مردم گرفتار در تعصبات قبیله ای و مظلومیت پیامبر (ص) و اهل بیت را به همگان نشان دادند و از طرف دیگر دعوت به حق و قرآن و تعالیم پیامبر (ص) را به گوش آنان رساندند تا شاید مؤثر واقع شود، ولی حب دنیا و ریاست طلبی چشم آنان را به حقایق بست و کاری انجام دادند که سرآغاز ظلم فراگیر به اهل بیت (ع) در طول تاریخ شد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن عبّاد، اسماعیل، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت، انتشارات علم الکتاب، چاپ اول.
۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم المقاییس اللغة، محقق؛ عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، محقق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب المحيط، بیروت، انتشارات دارالفکر، دارصادر، چاپ سوم.
۶. اندلسی، ابن عطیه، (۱۴۲۲ق)، المحرز الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۷. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۸. بحرانی، هاشم ابن سلیمان، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات بعثت، چاپ اول.
۹. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق؛ عبدالله محمد شحاته، بیروت، انتشارات داراحیاء التراث، چاپ اول.
۱۰. تهرانی، مجتبی، (۱۳۹۱)، بحثی کوتاه پیرامون خطبه فدک، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی و پژوهشی مصابیح الهدی، چاپ دوم.
۱۱. جعفری، یعقوب، (بی‌تا)، تفسیر کوثر، قم؛ انتشارات هجرت، چاپ اول.
۱۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ اول.
۱۳. حسینی زنجانی، سید عزالدین، (۱۳۸۳)، شرح خطبه حضرت زهرا (س)، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ هشتم.
۱۴. حسینیان قمی، مهدی، (۱۳۷۹)، زخم خورشید کاوشی در زندگی حضرت زهرا (س)، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۱۵. حقی بروسوی، اسماعیل، (بی‌تا)، روح البیان، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ اول.
۱۶. خلجی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، رخساره خورشید، شرح خطبه حضرت زهرا (س)، قم، انتشارات میثم تمار، چاپ چهارم.

۱۷. دخیل، علی بن محمد علی، (۱۴۲۲ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۸. رازی، ابوالفتح، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان ...، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت؛ دمشق، انتشارات دارالقلم، دارالسامی، چاپ اول.
۲۰. زحیلی، وهبه بن مصطفى، (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر، بیروت، انتشارات دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.
۲۱. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، انتشارات دارالکتب العربی، چاپ سوم.
۲۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۰)، فروغ ابدیت، قم، مرکز انتشار دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲۳. سبزواری نجفی، محمد، (۱۴۱۹ق)، ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۲۵. شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول.
۲۶. شبر، سید عبدالله، (۱۴۰۷ق)، الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، تحقیق، سید محمد بحر العلوم، کویت، انتشارات مکتب الالقیّن، چاپ اول.
۲۷. صادقی تهرانی، محمدصادق، (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۸. طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۳)، پرتوی از قرآن، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۲۹. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
۳۰. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ پنجم.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، چاپ اول.
۳۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۸)، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

۳۴. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دارالحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۵. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۳۶. عروسی حویزی، علی بن جمعه، (۱۴۰۵ق)، نورالثقلین، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳۷. عسگری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت، انتشارات دارالآفاق الجدیدة، چاپ اول.
۳۸. علاءالدین، علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، «لباب التأویل فی معانی التنزیل»، محقق، محمدعلی شاهین، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، کتاب التفسیر، تهران، انتشارات چاپخانه علمیه، چاپ اول.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۱ق)، العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم.
۴۱. فیض کاشانی، ملاحسین، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.
۴۲. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر، قم، انتشارات دارالهجرة، چاپ دوم.
۴۳. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۴۴. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب، چاپ ششم.
۴۵. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، احسن الحدیث، تهران، انتشارات بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
۴۷. قزوینی، سید محمد کاظم، (۱۳۹۰)، فاطمة زهرا (س) از ولادت تا شهادت، مترجم، علی کرمی، قم، انتشارات مرتضوی، چاپ دهم.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم، انتشارات دارالکتاب، چاپ سوم.
۴۹. کاشانی، ملافتح الله، (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات کتابفروشی محمدحسن علمی، چاپ سوم.
۵۰. گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸ق)، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۵۱. ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۵۲. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت، انتشارات داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۵۳. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قاهره، انتشارات دارالکتب العلمیة، چاپ سوم.
۵۴. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، تفسیر الکاشف، مترجم موسی دانش، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ق)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول.

۵۷. میرزا خسروانی، علی رضا، (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول.

۵۸. نیشابوری، حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق)، «غرائب القرآن و رغائب الفرقان، محقق؛ زکریا عمیدات، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیة، چاپ اول.

